

نگاهی به

مرسی های نظریه پردازان

در تاریخ

نویسنده: مهندس ابراهیم منیف نیا

چکیده	4
نقش علم و نظریه پردازی در توسعه و شکوفایی	5
دو نوع فعالیت: داخلی و خارجی.....	5
حرف اول پیشرفت	7
اهمیت کرسی های علمی و دانشوری از نظر اسلام	9
قرآن بزرگ ترین کتاب نظریه پردازی	10
نقش امامان شیعه در تأسیس کرسی های نظریه پردازی و تولید علم	12
نقش مسلمین در بر پایی کرسی های نظریه پردازی و تمدن جهانی	15
تمدن غرب مسیحی مولود کرسی های نظریه پردازی شرق اسلامی	16
تاریخ پیدایش کرسی های نظریه پردازی	17
محتوای کرسی های نظریه پردازی نزد قدما	20
نقاط ضعف نظریه پردازان در تارسخ نظریه پردازی	22
1- محدودیت علم بشر	22
2- دگماتیسم علمی	24
وسعت ظرف تولید علم	26
رئوس کلی در تکمیل وادامه بحث	27
منابع	29

- مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ :
- فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُوَدِّي عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ
- وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُوَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ (1)

- آن که به سخن نظریه پردازى گوش فرا دهد، او را پرستیده است:
- پس اگر آن نظریه پرداز از طرف خدا بگوید، گوش فرا دهنده خدا را عبادۀ نموده ،
- و اگر از زبان شیطان بگوید، شنونده شیطان را پرستش کرده است.

کسب دانش را که آن نور خداست
جز طریق آل پیغمبر خطاست
پس در این درگه بگوزانو زند
هر که می جوید کمال و راه راست (2)

(1) اصول کافی ج 6 ص 434 / وسائل الشیعه ج 27 ص 128 / بحار الانوار ج 2 ص 94 /
عیون اخبار الرضا ج 1 ص 303
(2) شعر از نویسندۀ

چکیده

بحث کرسی های نظریه پردازی و نقش آن، بحثی ریشه ای است که تحقیق در باره آن، درس ها و عبرت های فراوانی برای ادامه راه حیات علمی کشور در پی دارد. در این مقاله مختصر، نگاهی بسیار سریع و کلی به بعضی جنبه های آن شده است. در آغاز، پس از بیان نقش و جایگاه علم و نظریه پردازی در توسعه، اشاره به دو نوع فعالیت داخلی و خارجی در انسان، کرسی های نظر و اندیشه حرف اول پیشرفت معرفی شده. آن گاه با اشاره به اهمیت کرسی های دانش وری از نظر اسلام، آمده که قرآن بزرگ ترین کتاب نظریه پردازی و امامان شیعه بنیان گذاران کرسی های نظر و تولید علم بوده اند. به نقش مسلمین، در برپایی کرسی های نظریه پردازی و تأثیر آن ها در تمدن غرب پرداخته شده، پیرامون تاریخ پیدایش کرسی های نظریه پردازی بحث، نیز محتوای این کرسی ها در نزد قدما تشریح گشته. برای نظریه پردازان در طول تاریخ، دو نقیصه، یکی محدودیت علمی بشر و دیگری دگماتیسم علمی، بر شمرده شده و دایره نظریه پردازی و تولید علم وسیع و بی کرانه قلمداد گشته است.

در پایان، برای تکمیل و ادامه بحث، چند عنوان کلی در رابطه با موضوع مقاله آورده شده، که توضیح آن ها از حوصله ی یک مقاله خارج و به نوشتن کتاب قطوری می انجامد.

نقش علم و نظریه پردازی در توسعه و شکوفایی

بی شک، رشد و تمدن جوامع بشری، مدیون تلاش عالمان نظریه پرداز است. آن ها که با تلاش و کوشش خویش درخت های پرباری را نشانند که محصول آن، رشد و شکوفایی ملت ها را فراهم ساخت. این، عالمان و صاحبان اندیشه ها و نظرات تابناک بودند که تمدن ها و افتخارات را آفریدند و امروز ملت هایی بیشتر به خود می بالند که خردورزان افزون تری داشته اند و دارند.

کشورهای پیشرفته هم آن هایی هستند که کرسی های نظریه پردازی و تحقیق فعال تری دارند. جهان سوم و کشورهای در حال توسعه، برای رسیدن به رشد و شکوفایی، هیچ گریز و گزیری ندارند، مگر اینکه پایه های فرهنگی و علمی جامعه ی خویش را تحکیم بخشند و بر رونق کرسی های نظریه پردازی اهتمام ورزند.

آری، توسعه و رشد در همه ی زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی، اخلاقی و... منوط به علم و نظرات علمی فرهیختگان است. می بینیم که این سخن چرچیل، امروز درست از آب درآمده که گفته بود: « شکی نیست که امپراطوری های آینده، امپراطوری اندیشه خواهد بود ».

در قرآن و سخنان پیشوایان معصوم، فراوان بر این مهم تاکید شده، از جمله فرمایش امام صادق(ع) است که :

أَلْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ حَالٍ سَنِيٍّ، وَ مِنْتَهَى كُلِّ مَنْزِلَةٍ رَفِيعَةٍ (1)

یعنی: علم اساس هر خوشبختی، و اوج منزل پیشرفت و ترقی است.

هر چه اندیشه است مصفا تر	راه مقصود تو مهیا تر
بر اموری که پیچ در پیچ است	با سر انگشت فکرت آن هیچ است

دو نوع فعالیت: داخلی و خارجی

آدمی در عرصه ی زندگی دارای دو نوع فعالیت است:

1- فعالیت داخلی یا فکری

2- فعالیت خارجی یا عملی

(1) بحارالانوار ج 2 ص 31

- فعالیت داخلی بشر، مجموعه نظرات و اندیشه های اوست. هرچه اندوخته های علمی و معلومات انسان افزون تر باشد، مغز میدان وسیع تری برای فعالیت خواهد داشت. منشأ فعالیت های داخلی مغز است که مولود آن در قالب افکار و نظرات، به وسیله ی زبان (گفتار) یا کتابت (نوشتار) ، در بشر آشکار می گردد. ماده ی آن مجموعه ی اطلاعات و اندوخته های ذهن است.

- فعالیت خارجی هر کس هم مجموعه ی اعمال و مصنوعات اوست که در خارج، صورت عینی و عملی به خود می گیرد. منشأ فعالیت های خارجی، اعضاء و جوارح است که مولود آن در قالب دست ساخته ها و اختراعات و اکتشافات و صناعات ظاهر می شود. ماده ی آن مجموعه ی عناصر و موجودات جهان مادی است.

همه ی اعمال انسان در بخش های مختلف کشاورزی، عمران، صنعت و... کلیه ی ابتکارات او در این حوزه، شکل می گیرد و ظهور می یابد. از رسم یک نقاشی ساده کودکی، تا عمل آشپزی یک خانم در خانه ، و ساخت یک برج مرتفع یا سد عظیم به دست یک مهندس ، و نیز ساخت یک فضا پیما به وسیله ی متخصصین، همه و همه نمونه هایی از فعالیت های خارجی است. آن چه امروز به عنوان پیشرفت و فناوری در کشورها مطرح است، مولود تلاش های محققان و صنعت گران آن کشورهاست. دست ساخته ها و اختراعات هر ملتی نمایان گر سطح اندیشه و دانش آن ملت است. هر کشوری که تولیدات و صنایع او در جنبه های گوناگون بیشتر و بهتر باشد، از قدرت و امکانات فزون تری برخوردار بوده و با اختراعات و صناعات خود، می تواند بهتر بر طبیعت چیره شود و با ایجاد امکانات بهتر، اسباب راحتی و آسایش مردم خویش را فراهم آورد.

درخت تو گر بار دانش بگیری به زیر آوری چرخ نیلوفری را

حال با توجه به آن چه گفته شد، می گوئیم: انسان وقتی می تواند در خارج، فعالیت جدی و چشمگیر داشته باشد و مولد ابتکار و عملی گردد که قبلا در عرصه ی داخلی که همان نظر و اندیشه است، از دانشی کافی و لازم بهره مند باشد. هرچه فعالیت داخلی درخشان تر باشد و نظرات پخته تری مطرح شود، آدمی در حوزه ی خارجی، از فعالیت و دست آوردهای بیشتر و عالی تر برخوردار است. این نظر و اندیشه است که عمل خارجی را شکل میدهد.

با یک اندیشه که آید از درون صد جهان گردد به یک دم واژگون

قرآن در این زمینه می فرماید: قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ (1)
بگو هرکس بر مبنای صورت یا شکل درونی اش عمل می کند.

در این آیه، عمل انسان که همان فعالیت خارجی اوست، محصول « شاکله » که همان فعالیت داخلی و وجودی هرکس می باشد، قلمداد شده است.

حضرت علی (ع) خطاب به یار با وفای خویش، کمیل می فرماید :

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ (2)

یعنی : هر حرکتی بخواهی در خارج انجام دهی، نیازمند شناخت و آگاهی هستی.

با این وصف ، می بینیم که کسب علم و دانش، نقش بنیادین در شکوه و تمدن جوامع بشری ایفا می کند. رمز نجات و پیشرفت، منوط به گسترش حوزه ی فعالیت فکری و نظریه پردازی هر ملت است. باید کوشید ، تا کرسی های نظریه پردازی را گسترش و توسعه داد و زمینه های گوناگون اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن را فراهم نمود، زیرا کرسی های نظریه پردازی هر ملت، زیربنا و محک سنجش سطح تکامل آن ملت است.

حرف اول پیشرفت

با دقت در اوضاع کشورهای به ظاهر پیشرفته و صنعتی جهان، می یابیم که آن ها برای کرسی های نظر و امور تحقیقاتی و علمی، بهای گزافی در نظر می گیرند. امروز در کشورهای پیشرفته، بزرگ ترین رقم بودجه ی خود را به تحقیقات علمی و توسعه ی کرسی های نظریه پردازی و مهارت های فنی اختصاص می دهند.

کشورهای غربی و اروپایی تا آن هنگام که اسیر موهومات فکری و نظرات کهنه ی کلیسا بودند، در انحطاط و بدبختی به سر می بردند. حقایق تاریخی شاهد است که اروپا و امریکا ، در طی « قرون وسطی » که دوران سیاه خود را می گذراند، دچار چه جهالت و توحشی بود!

(1) سوره ی اسراء آیه ی 84

2) تحف العقول - ترجمه ی غفاری ص 165

تمامی پیشرفت ها و کامیابی های صنعتی و فنی در غرب، پس از انقلاب «رنسانس» و اقبال آن ها به کرسی های نظریه پردازی جدید و کنار زدن مطالب کهنه و منسوخ شده، اتفاق افتاد. جوامع عقب مانده و جهان سوم را هم امروز کشورهایی تشکیل می دهند که در این زمینه ضعیفند. نفوذ استعمار را هم در این گونه ممالک، باید در همین راستای ضعف علمی و فرهنگی جستجو نمود. به عنوان نمونه:

پس از این که آلمان بعد از جنگ دوم جهانی، به دو کشور شرقی و غربی تقسیم شد، دوازده میلیون آلمانی از اروپای شرقی به آلمان غربی رانده شد، که در میان آن ها شش میلیون نفر کارگر و کارشناس فنون مختلف وجود داشت. این گروه با دست خالی، تنها به مدد دانش و مهارت خود توانستند در ظرف مدت ده سال وضع آلمان غربی را به وضعیت قبل از جنگ تبدیل کنند. این ترقی و پیشرفت را که با فرمول های عادی سازگار نبود، «معجزه آلمان» نام نهادند و حال آن که باید آن را معجزه ی علم و نظریه پردازی و تخصص نامید.

این مهاجرت دوازده میلیون گرسنه و برهنه ی آلمانی را به آلمان غربی، با مهاجرت شش میلیون پاکستانی به هند مقایسه کنید: آنها «وبا» خلق کردند!، زیرا در اثر بی سوادی، حتی از رعایت بهداشت هم عاجز بودند و بدین ترتیب، نظم قسمتی از هند را بر هم زدند.

هارولد کلارک در سال 1945 با مقایسه ی پنج کشور فقیر و پنج کشور ثروتمند، در مورد نمونه ی آن چنین می گوید: «از مقایسه ای که میان کشورهای مختلف جهان انجام دادیم، چنین نتیجه گرفتیم که پیشرفت دانش، موجبات افزایش درآمد و رشد را فراهم می آورد. چرا که در کشوری مانند دانمارک، یک صد سال پیش، کشوری فقیر محسوب می شد و منابع درآمد محدودی داشت. ولی با توسعه ی تعلیم و تربیت و آموزش حرفه ای، در ردیف کشورهای ثروتمند جهان قرار گرفت. در حالی که کلمبیا، که دارای منابع طبیعی زیادی است، از کشورهای کم درآمد و کم رشد به حساب می آید» (1)

این جاست که می بینیم نظریه پردازی های متین علمی و اندیشه های استوار برخاسته از نظریه پردازان، چه سهم عظیمی برای حرکت جوامع بشری به سوی ترقی دارا می باشد و کرسی های نظریه پردازی حرف اول پیشرفت را می زنند.

حضرت علی (ع) می فرماید:

لا كُنْزَ اَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ ، و لا قَرِينَ سَوْءٍ شَرٌّ مِنَ الْجَهْلِ (2)

گنج و سرمایه ای بهتر از علم ، و هم راهی بدتر از نادانی نیست.

1) اصول و مبانی عمران ناحیه ای . محمدجعفر زمردیان

فکرت نیکو چو بر دل روی داد
آدمی زان می رسد بر هر مراد
درب فکرت زن که در بازت کند
پر فکرت زن که شهبازت کند

اهمیت کرسی های علمی و دانشوری از دیدگاه اسلام

در میان همه ی ادیان و مکاتب، دین مقدس اسلام، بیشترین اهمیت را به کرسی های علم و نظریه پردازی داده است.

تعبیر به کار رفته در لابه لای آیات و روایات به قدری زیبا و متنوع است که مطالعه ی آن، شگفت آور است. تا جایی که آن را اساس هر خوبی (1)، عامل حیات (2)، ملاک شخصیت انسان (3)، برتر از عبادت (4)، عامل بقاء (5)، قلمداد نموده و آن را بر همگان واجب (فریضه) (6) دانسته است. از عالمان به عنوان «زندگان»، و از بی عالمان به عنوان «مردگان» (7) یاد کرده و آمده است که: مردم دو دسته اند:

1- دانشمند و دانشجو.

2- دیگران چون مگسان فرومایه اند. (8)

پیشوای ششم امام صادق (ع) می فرماید: «من دوست ندارم جوانانِ شما را خارج از دو حال ببینم: یا باید دانشمند باشند، یا دانشجو. اگر غیر از این باشد کوتاهی کرده، و هر کس در عمر خود کوتاهی کند، آن را ضایع ساخته و ضایع کننده ی عمر، گناه کار است و گناه کار، جایگاهش در آتش است» (9)

1) قال علی(ع): العلم اصل کل خیر (الحیاه ج 1 ص 36)

2) قال علی(ع): العلم حیاه والایمان نجاه (بزرگسال و جوان فلسفی ج 2 ص 263)

3) قال الصادق(ع): اکثر الناس قیمة، اکثرهم علما (بحار ج 77 ص 122)

4) طلب العلم افضل من العبادة (بحار ج 69 ص 80)

5) العلماء باقون ما بقی الدهر (نهج البلاغه فیض حکمت ص 139)

6) قال الصادق(ع): طلب العلم فریضه من فرائض الله (بحار ج 1 ص 172)

7) بحار الانوار ج 1 ص 172

8) خصال شیخ صدوق باب الاثنین حدیث 22

در قرآن و روایات امامان(ع)، زیباترین و عمیق ترین تعابیر، در تعریف و تمجید از علم و دانشوری وارد شده و تاکید های فراوانی در این خصوص به عمل آمده است. اسلام با اصرار هرچه تمام تر از پیروان خویش خواسته تا در تحصیل دانش و تقویت کرسی های نظریه پردازی علمی بکوشند و در جهت سوق دادن مسلمین به فراگیری علم، سنگ تمام گذاشته. که اگر بخواهیم به آن پردازیم به کتابی قطور نیاز است.

این جانب در نوشته ای دیگر تحت عنوان « دانش پژوهی در افق دین » که در سال 1379 تالیف نموده ام، گوشه ای از این آیات و روایات را آورده ام.

قرآن بزرگترین کتاب نظریه پردازی

در قرآن یکصد و پنج مرتبه واژه ی علم، و بیش از هفتصد و هفتاد بار شکل های مختلف آن به کار رفته که این، دلیل اهمیت و جایگاه علم و نظر را در این کتاب مقدس آسمانی می رساند. اولین آیاتی که بر پیغمبر(ص) نازل شده، در مورد خواندن، تعلیم و قلم است. و خداوند به قلم و نوشتن که ابزار ثبت نظریه های علمی و دانش است سوگند یاد کرده، تا آن جا که با حالت استفهام انکاری می پرسد:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ ، وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (1)

یعنی: آیا آن ها که می دانند و صاحب نظرند، با آن ها که نمی توانند و صاحب نظر نیستند برابرند؟! قرآن خود، یک کتاب نظریه پردازی است. مترقی ترین نظریات علمی و منطقی، در این کتاب جاودانی، در دسترس بشر قرار داده شده است. شعبه های گوناگون دانش و رشته های بی شمار علم در آن بیان گشته و خردمندان می توانند با مراجعه ی به قرآن ، عالی ترین دیدگاه ها و نظرات را در ابعاد علمی و مورد نیاز خویش جستجو کنند و روح و جان تشنه ی خود را از این چشمه ی جوشان سیراب نمایند.

بیش از هزار و چهار صد سال است که این کتاب، در معرض افکار و اندیشه های بشری قرار دارد. هرکس با هر نظری که به آن می نگرد، گم شده ی خود را در هر زمینه ی علمی در آن می یابد. این همه از این کتاب استفاده، و برآن شرح و تفسیر نوشته شده است. کتابی که در طول تاریخ آن، بیشتر از همه درباره ی آن قلم فرسایی شده و هزاران کتاب پیرامون آن به رشته ی تحریر درآمده، هرکس به هر میزانی

(1) سوره ی زمر آیه ی 9

که توانایی و استعداد داشته، از آن بهره برده و بیشترین وقت و ساعات عمر دانشمندان را به خود اختصاص داده است، ولی هنوز ابعاد بی شمار علمی آن مکشوف نگشته و گویا هنوز دست نخورده مانده است. چشمه ای که هرچه از آن بر می دارند، جوشنده تر می شود. اقیانوس بی کرانه ای است که عمق آن قابل دسترسی نمی باشد. خود قرآن این ادعا را دارد، و در موارد متعددی فرموده که: دوی همه ی دردهای بشر، و تمامی نظریات علمی مورد نیاز انسان ها را در خود دارد. آن جا که می فرماید:

- فِيهِ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (1)

در آن بیان همه چیز وجود دارد.

- لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (2)

هیچ تروخشکی نیست، مگر این که در کتاب مبین آمده است.

علاوه بر این که قرآن یک کتاب وسیع نظریه پردازی و بزرگترین کرسی نظریه پردازی و حاوی درخشان ترین دستورات و تعالیم، برای زندگی است، نیز بزرگترین عامل حرکت و مشوق اندیشمندانی است که می خواهند ایده آل ترین و زلال ترین نظرات علمی را پیشنهاد نمایند. این کتاب عزیز آسمانی ضمن تحرک بخشی و جهت دهی افکار و اندیشه ها، کامل ترین سرچشمه و بهترین معدن و منبع پژوهندگان، برای ارائه ی دیدگاه ها و نظرات نو در عرصه ی خردورزی است.

در این جا نمی خواهیم به جنبه ی اعجاز علمی و جنبه های شگفت این کتاب نورانی بپردازیم، فقط همین اندازه بگوییم که: هیچ کس از آن بی نیاز نیست و نخبگان، بیشتر به آن نیازمندند.

آیات فراوانی از قرآن، ماده ی اولیه ی نظریات و اختراعات دانشمندان گشته و این مطلب در کتاب های مربوط به قرآن و علوم، فراوان آمده است، که عباس بن فرناس، جوان متفکر آندلسی با مطالعه روی یکی از آیات سوره ی ملک، توانست برای اولین بار، بال هایی بسازد و به آسمان پرواز کند و سپس کار خود را تکمیل نموده و اولین هواپیما را ساخت و در یکی از پروازهای آزمایشی خود سقوط کرد و جان باخت. صد ها سال بعد اتو و ویلبرایت آلمانی آمدند و کار او را ادامه دادند و ساخت هواپیما را به نام خود ثبت کردند.

(1) سوره ی نحل آیه ی 89

(2) سوره ی انعام آیه ی 59

نقش امامان شیعه در تأسیس کرسی های نظریه پردازی و تولید علم

قرآن گرچه یک مجموعه ی کامل است، ولی دقائق و ظرافت های بی پایان در آن است که آن را از وجود امامان و معلمان معصوم و کاملی که آن را بشکافند و شرح و تفسیر نمایند، بی نیاز نمی سازد. قرآن کتاب کامل الهی است که برای تبیین و کشف، به معلمانی الهی نیاز دارد تا همه بتوانند از آن استفاده کنند و هر کس طبق رأی و نظر خود بدان ننگرد. لذا خود قرآن در جاهای زیادی با تعبیرات گوناگون به معلمان و رهبران معصوم ارجاع داده است که برای نمونه فرموده:

فاسئلوا أهل الذکر (1)

ما یعلم تأویلہ الاّ الله والراسخون فی العلم (2)

بل هو آیاتٌ بیناتٌ فی صدور الذین اوتوا العلم (3)

حدیث معروف و متواتر ثقلین، که فریقین در کتب خود نقل کرده اند، و در آن پیامبر اسلام (ص)، همه ی مسلمانان را به تمسک به قرآن و عترت سفارش نموده و آن دو را تا قیامت از هم تفکیک ناپذیر دانسته است. «لَنْ یَفْتَرِقَا» ، ناظر بر این است که باید همیشه در کنار قرآن، امامان معصوم باشند. بر این اساس، کلام امامان معصوم شیعه که در قالب مجموعه های حدیثی در لابه لای کتاب های متعددی آمده، چنان محتوای نظریه پردازی های جویندگان دانش را غنا می بخشد، و به قدری فکرها را باز می کند که موجب مباهات می شود.

منابع گران سنگ حدیثی شیعه چون: نهج البلاغه ، اصول کافی، بحارالانوار و صدها کتاب دیگر که فرمایشات پیامبر(ص) و امامان معصوم در آن گردآوری شده، دارای درخشان ترین نکات برای نظریه پردازی و تولید علم می باشد.

امامان معصوم شیعه، با به جای گذاشتن فرمایشات نورانی و پربار خود، برای امروز و هر زمانی، روشن گر راه همه ی فرهیختگان و دانش پژوهان هستند و هر کس با یک بار مراجعه به این ذخایر غنی و سرشار از علم حقیقی، این حقیقت را اعتراف نموده، ولی متأسفانه از آن غافلیم.

(1) سوره ی نحل آیه ی 43

(2) سوره ی آل عمران آیه ی 7

(3) سوره ی سبأ آیه ی 49

کیست که سخنان امامان معصوم(ع) را بخواند و شیفته ی عظمت و شکوه آن نگردد. جرج جرداق ، نویسنده و دانشمند مسیحی و معروف عرب، طبق اظهار خودش، دویست بار نهج البلاغه را خوانده، ولی هم چنان برای او تازه است . هرکس با این منابع علم و دانایی ارتباط برقرار ساخته، شیفته ی زیبایی و جامعیت آن گردیده است. من نمی خواهم عنان قلم را در این وادی رها سازم، چون نوشته از صورت مقاله خارج می شود، در غیر این صورت گوشه هایی از کلام امامان (ع) را ذکر می کردم تا کمی روشن شود که مولایمان علی (ع) می فرماید: « سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي » یعنی چه؟! در آن زمان، مردم در خانه ی اهل بیت(ع) نرفتند و امروز هم نمی روند. لذا این چشمه های پر نشاط علم و دانش ، و این کرسی های درخشان نظریه پردازی و خردورزی هم چنان چون " بئرمعطله " دست نخورده باقی مانده و جویندگان حقیقت و دانایی از آن غافلند. خودشان فرموده اند: « به شرق روید یا به غرب، هرگز به علم راستینی دست نمی یابید، مگر این که به ما خاندان رجوع نمایید ».

شَرَقًا و غَرَبًا، لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ (1)

اگر علمی به عالم سودمند است ز بیت آل پیغمبر بلند است (2)

هر یک از ائمه(ع)، در زمان خودشان صاحب عظیم ترین کرسی های نظریه پردازی و تولید علم بوده اند. امامان (ع) به فراخور سطح مردم زمان خود، و به تناسب موقعیتی که می یافته اند و آزادی نسبی که بدست می آورده اند، به دوران جنجال های سیاسی و دنیا خواهانه ی زورمداران، به تأسیس نظریه پردازی و دانشگاه ها و تربیت شاگردان اهل نظر، همّت می گماشته اند. نمونه تلاش جانشینان راستین پیامبر(ص) را در این راستا، به وضوح در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و حضرت رضا(ع) شاهد هستیم.

امامین صادقین(ع) ، در زمان خود از فرصت به دست آمده، هنگامی که قدرت طلبان بنی امیه و بنی عباس به خود مشغول بودند، بهره جستند و با تأسیس و گسترش بزرگ ترین پایگاه نظریه پردازی و علم در مدینه، چنان موجی ایجاد نمودند ، که همه ی سر زمین ها را فرا گرفت و جویندگان و تشنگان دانش و بینش از دورترین نقاط جهان، خود را به این مرکز نور رساندند و جهت تقویت بنیه های علمی مورد نیاز خود بهره ها گرفتند. جلسات بحث و نقد گسترده بود و صاحبان افکار و عقاید گوناگون ماتریالیستی و

(1) اصول کافی ج 1 ص 399

(2) نویسنده

غیرماتریالیستی نظرات خود را مطرح می کردند و با نقد عالمانه از طرف شاگردان مکتب مدینه مواجه می شدند و شکست می خوردند. دانشمندان معروفی چون: ابن ابی العوجا، ابن مقفع، ابوشاکردیصانی، عبدالله بصری و... که در رشته های علمی زمان خود سرآمد بودند، در برابر کرسی علم مدینه به زانو در می آمدند. در این مرکز عظیم دانش، کرسی های متعددی، در رشته های مختلف تأسیس و در همه ی زمینه ها متخصصین زیادی تربیت شدند. در این دانشگاه فقه، حدیث، تفسیر، کلام، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، پزشکی، شیمی، فیزیک، ریاضی و تمامی علوم روز، کرسی مخصوص به خود را داشت. پای کرسی درس امام صادق (ع)، هزاران شاگرد ورزیده شرکت داشتند. دانش جویان این دانشگاه، در هم ی علوم به بحث و مناظره با مخالفان می پرداختند. به طوری که کتابهای بی شماری در همه ی زمینه های علمی تألیف شد، که یک چشمه آن "اصول اربعه مئه" ، یعنی کتب چهار صد گانه، که در آن زمان به دست شاگردان مکتب مدینه نوشته شد، معروف است.

شاگردانی هم چون هشام بن حکم ، که در منطق و مناظره ، و نقد نظرات مخالفان سرآمد روزگار خود بود ، با تألیف کتاب های فراوان ، دیدگاه های نوینی را عرضه کرد و نظریات باطل نظریه پردازان معروف را به نقد کشید و با نوشتن کتاب ((الرد علی ارسطاطالیس)) ، مشهورترین عقاید فیلسوفان یونان باستان را به چالش می کشید .

جابر بن حیان ، پدر علم شیمی ، علاوه بر تألیف کتب گوناگون و تبحر در زمینه های مختلف علمی ، جدیدترین و اساسی ترین مباحث شیمی را تدوین نمود ، که سال ها نظرات او مورد استفاده ی طالبان دانش بود .

بیان تأثیر کرسی نظریه پردازی مدینه ، به وسیله ی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) ، و نقشی که این دو امام بزرگوار در زمان خود ایفا نمودند و چه نتایج پربراری بوجود آوردند ، مفصل است که در این مقاله نمی گنجد . روزهای زیادی ، باید دانشمندان بنشینند و در مراکز تحقیقاتی ، آثار پربر و شگفت آور دانشگاه مدینه را بدست آوردند و بدانند که شعار قال الباقر (ع) و قال الصادق (ع) چه شور و حرکتی در جهان به پا نمود و چه برگ های زرینی از خود به جا ی نهاد . روزنه ی کوچکی از این کانون درخشان را چهل نفر از دانشمندان غرب در مرکز علمی تحقیقاتی استراسبورگ آلمان در کتاب ناقصی به نام: امام صادق (ع) مغز متفکر جهان شیعه گشوده اند .

همچنین امام رضا (ع) ، وقتی که مجبور می شوند مدینه را به قصد مرو ترک کنند ، مأمون خلیفه ی مقتدر عباسی بنا به مقاصد سیاسی ، ولایتعهدی را بر حضرت تحمیل می نماید . در آنجا هم امام ع دستگاه نظریه پردازی و مناظره ، به پا می کنند . جلسات بحث و مناظره ی علمی که مأمون با شرکت

ورزیده ترین دانشمندان عصر و معروف ترین اندیشمندان تشکیل می داد و در آن اربابان مذاهب فکری و فلسفی و ماتریالیستی شرکت می جستند، به این قصد بود که شخصیت علمی امام را تضعیف کند. ولی امام رضاع با استفاده از فرصت به وجود آمده، با طرح نظریه پردازی های عمیق و دقیق همه نظرات آن ها را به چالش می کشید و با شکست مواجه می ساخت. کتاب ((عیون اخبارالرضا)) قطره ای از اقیانوس معارفی است که یادگار آن دوران است.

امروز هم بسیاری از آن تئوری های زیبای علمی در اختیار ماست و می توانیم با استفاده ی از آن ها دریچه های تازه، به روی طالبان حقیقت و دانایی بگشاییم.

نقش مسلمین در برپایی کرسی های نظریه پردازی و تمدن جهانی

مسلمانان در طول تاریخ با تکیه بر همین دعوت اسلام به فراگیری دانش و نظریه پردازی، همواره بزرگ ترین تأثیرگذاری را در رشد و تمدن جهانی داشته اند.

اصولاً دین اسلام، یک دین دانش محور و فرهنگ محور است. همه ارزش ها با علم و دانایی سنجیده می شود. پیامبر ما کسب دانش را بر همگان (علی کلّ مسلم و مسلمة)، در تمام طول عمر (من المهد الی اللحد)، بدون هیچ عذری و در تمام شرایط (علی کلّ حال)، از نزد هر کسی (ولو من اهل النفاق)، و از دور ترین نقاط جهان (ولو بالصین)، واجب ساخته است.

لذا از همان آغاز، پیروان این آیین، به سرعت پیش رفتند، و با این که رژیم های سیاسی حاکم بر جوامع اسلامی مشروع نبود، ولی عموم مسلمانان به فکر و اندیشه اهتمام گسترده نشان دادند. در دین، جهل و نادانی بزرگ ترین دشمن بشر معرفی گشته بود و مسلمین خود را موظف به مبارزه با این دشمن می دانستند. در نتیجه، موفق شدند سهم شگرفی در رشد و تولید علم داشته باشند. به تدریج مراکز علم و دانشوری گسترش می یافت و جوامع اسلامی در زمینه ی ابتکارات و اختراعات، به دستاوردهای بزرگی نایل شدند و توانستند صاحب کرسی های نظریه پردازی، در همه رشته های علمی شوند، و بدین وسیله پایه گذار درخشان ترین تمدن های تاریخ باشند.

اسناد و مدارک محکم و اعترافات صریح دانشمندان در هر زمان، بر این حقیقت صحّه می گذارد که:

کرسی های نظر و اندیشه در زمینه طب، داروسازی، جراحی، ساخت بیمارستان، علوم آب و هوا، فیزیک،

شیمی، جانورشناسی، صنایع، ریاضی، هیأت و نجوم، جغرافیا، صنایع مستظرفه، هنر و پیشه، صنایع چوبی، آجر و کاشی سازی، کاغذسازی، مکانیک، علوم فضایی و... در بین مسلمین، از صدر اسلام به بعد بر پا شد و شکوه و تمدن عمیقی را بنیان نهاد، که در ادامه، اساس بیداری غرب و رنسانس، در کشورهای اروپایی شد. مستشرقین زیادی، از جمله: دکتر گوستاولوبون فرانسوی، جرجی زیدان انگلیسی، ویل دورانت و دیگران، به تفصیل این حقیقت را ذکر کرده اند.

خوش تر آن باشد که سردلبران گفته آید در حدیث دیگران

تمدن غرب مسیحی مولود کرسی های نظریه پردازی شرق اسلامی است

خودی و بیگانه معترفند که، آن چه امروز به عنوان پیشرفت علم و تکنولوژی در غرب شاهد آن هستیم، ریشه در شرق اسلامی دارد و منبع آن، همان کرسی های نظریه پردازی در جوامع مسلمانان است.

قبل از دوران رنسانس، و پیش از قرون 16 و 17 میلادی، آن چنان فضای جهل و تاریکی بر کشورهای غربی و اروپایی حاکم بود که آن ها در جزایر پراکنده، دوران سیاه توخس خود را می گذراندند. ابر تیره ی خرافات و ایده های پوچ و پوسیده، بر آسمان غربیان به شدت سایه افکنده بود و آن ها تحت سیطره ی اربابان دینی و کلیسایی خود، روزهای ظلمانی قرون وسطایی را تجربه می کردند.

تازه اگر کسی هم می خواست نظری نو و مخالف با ایده های پوسیده، ولی پذیرفته شده از دوران کهن و منسوخ شده ی بطلمیوسی، ابراز کند، در دادگاه های انگیزاسیون محاکمه ی ظالمانه و به تیغ گیوتین سپرده می شد.

آن هنگام که در کشور اسلامی اندلس (اسپانیای فعلی)، حیرت آورترین نظرات دانشمندان اسلامی، موجب رشد و تمدن وصف ناپذیری گشته بود و همه ی رشته های علمی در دانشگاه های آن تدریس می شد، وبا عظمت ترین کاخ های تمدن و فن آوری، چشم ها را خیره می کرد، کشورهای اروپایی مجاور آن در اوج جهالت و نادانی به سر می بردند و به وسیله ی ارتباط با مسلماتان اندلس، زندگی مدنی آموختند و از خواب بیدار شدند.

کرسی های نظریه پردازی و ایده های گسترده مسلمانان، به داد آن ها رسید و دست آن ها را گرفت. کتاب های دانشمندان صاحب کرسی اسلامی، ماده ی اولیه ی آکادمی های علمی و کالج های تحقیقاتی کشورهای اروپایی و غربی شد. تا همین دهه های اخیر، بعضی از همان کتاب ها، منبع اصلی پایگاه ها و مراکز نظریه پردازی آن ها بود. بنابراین، مسلمین رهبران علمی و نظریه پردازی غربیان هستند.

دکتر گوستاولوبون می گوید:

" تا قرن پانزدهم قوی را که از مصنفین اسلام نبود، دانشمندان اروپا آن را مستند نمی شمردند."

سپس اضافه می کند که:

" راجربیکن، لئونارد دوپیز، ارنو ویلانو، ریمندلول، سنت توماس، آلبرت بزرگ، آلفونس دهم، تمام آنها یا شاگرد علمای اسلام بودند، یا ناقل اقوال آن ها... تمام دانشکده ها و دانشگاه های اروپا تا پانصد سال الی شش صد سال، روی کتب علمای اسلام دایر بود و مدار علوم ما در آن همه مدت، فقط علوم مسلمین بوده است. و در بعضی از رشته های علوم مانند طب می توان گفت: تا زمان ما هم نظریات طبای اسلام باقی مانده است." (1)

لیبری دانشمند مشهور فرانسوی می گوید: " اگر اسلام و مسلمین در تاریخ پیدا نمی شدند، حیات علمی اروپا تا چند قرن به عقب می افتاد." (2)

تاریخ پیدایش کرسی های نظریه پردازی

علم ودانایی یکی از نیازهای طبیعی و ضروری انسان است. برای روح آدمی چهار بعد وجود دارد، که بشر به طور طبیعی وفطری به دنبال آن است:

1- علم جویی 2- نیکی خواهی 3- زیبایی خواهی 4- خدا جویی

لذا بشر از وقتی که پا به روی زمین نهاده، بر اساس این نیاز فطری خویش، در جستجوی آگاهی از راز هستی و پی بردن به نظامات حاکم بر آن بر آمده و کوشیده تا مطالبی را که نمی داند بدان آگاه شود. روح جستجو گر بشر او را آرام نگذاشته مبه مرور زمان، هر مطلب جدیدی را که کشف کرده، ده ها مجهول دیگر برایش آشکار شده و به دنبال پی بردن به آنها، همواره در راه رشد و تکامل علمی به جلو رفته،

(1) تمدن اسلام و عرب - نوشته: دکتر گوستاولوبون فرانسوی

(2) بحث هایی از دکتر ویپر - چاپ انتشارات فراهانی ص 342

در هر مرحله به نتایجی دست یافته و فرضیات جدید را پله ی پرش برای دست یابی به نظریات بیشتر و بهتر قرار داده است. فکرهای قوی و اندیشه های تیز بین در هر عصر وزمانی، کرسی های نظریه پردازی آن عصر را تشکیل می داده، که بیان حقایق و نظام حاکم بر هستی، از سوی بنیان گزاران این کرسی ها، زایش نظرات علمی هر عصری بوده است. این ایده ها و نظرات، شئونات مختلف زندگی انسان ها را شکل داده است. لذا آغاز پیدایش کرسی های نظریه پردازی در جهان، به آغاز ظهور انسان در روی زمین بر می گردد. گر چه در ابتدا این کرسی ها محدود و دایره ی تنگی داشته و بدون اسم و رسم بوده و شناسنامه دار نیست، ولی با گذشت مدت زمانی، مکتب های شناسنامه دار و اثر گذار، در نقاط مختلف زمین ظاهر شده که هر یک صاحب کرسی بوده اند.

آن چه از مطالعه ی تاریخ علم حاصل می شود این است که، معروف ترین کرسی های نظریه پردازی به قرن های قبل از میلاد و بعد از ظهور حضرت موسی بر می گردد. قبل از آن یا کرسی علمی برجسته ای نبوده و یا اگر بوده، از آن اطلاع دقیقی نداریم.

درست است که آثار تمدن را می توان قبل از موسی در زمان فراعنه ی مصر هم مشاهده کرد، که اهرام ثلاثه ی مصر، نماد تمدن کهن آن سامان است، ولی همان گونه که گفته شد، توان علمی مردم آن تاریخ محدود و در حد ساخت بناها بوده و ظهور مکتب های صاحب کرسی بیشتری بعد از ظهور موسی آغاز می شود.

در نقاط مختلف دنیا، می توان از کرسی های نظریه پردازی در یونان، مصر، چین، بین النهرین روم و ایران نام برد که هر کدام تاریخ و ویژگی خاص خود را دارد.

مشهورترین نظریه پردازان دوران قبل از میلاد، عبارت بودند از: زنون، سقراط (399 ق.م) ، افلاطون (347 ق.م) ، ارسطو (321 ق.م) .

کرسی های نظریه پردازی که به وسیله ی این چند دانشمند تأسیس شد، تحول چشمگیری در زمان آن ها به وجود آورد و ایده های آن ها، قرن ها بعد از خودشان سرنوشت ساز شد و تاکنون هم اثرات آن باقی است.

در این میان، ارسطو یا ارسطاطالیس، حکیم معروف یونانی، شخصیتی است که در بین نظریه پردازان بشری لقب « معلم اول » را به خود اختصاص داد. او شاگرد افلاطون (مخترع مُثُل) بود و با استادش اختلاف عقیده داشت و می گفت:

« افلاطون را دوست می دارم، اما به حقیقت، بیش از افلاطون علاقه دارم » (1)

(1) سیر حکمت در اروپا - محمدعلی فروغی ج 1 ص 29

ایده های ارسطو مدت بیش از دو هزار سال است که بر بسیاری از کرسی های نظریه پردازی دانش بشر حکومت می کند. حدود 400 تألیف را به وی نسبت می دهند و او را در بسیاری از علوم و فنون، محقق می دانند و تدوین منطق کار اوست. در فنون مختلف علمی صاحب نظر بود و مکتب نظریه پردازی او به مکتب « مشاء » و پیروان او را مشائیین می نامند.

در دوران بعد از اسلام، بسیاری از حکمای صاحب کرسی مسلمان، تحت تاثیر ایده های ارسطو هستند. جمع کثیری از دانشمندان بنام مسلمان، چون فارابی و ابوعلی سینا در ترویج مکتب فکری مشاء و تبیین و تفسیر و گسترش آن نقش به سزائی داشته اند، به طوری که ابوعلی سینا بزرگترین نماینده ی نظریه پردازی مشائی در دوره ی اسلامی می باشد. قبل از این که اسلام ظهور کند، تنها کرسی نظریه پرداز، که همه ی نظرات را تحت تاثیر قرار داده بود، و در همه ی سرزمین ها جلودار بود، همان نظرات ارسطویی و مشائیین بود. با ظهور اسلام و نزول آیات نورانی قرآنی و فرمایشات پیامبر و امامان (ع) جبهه ی جدیدی در عالم دانش و اندیشه گشوده شد.

اسلام به عنوان یک دین کامل و مستقل و فوق فکر بشری، که به وسیله ی امامان، در هر دوره ای مطرح می شد، در مقابله با بسیاری از دیدگاه های گذشته، دریچه ی نوینی را گشود. ائمه ی بزرگوار شیعه، با نظریه پردازی های راستین و استوار خود، خصوصاً در مسائل مربوط به خلقت، آغاز آفرینش، الهیات، اخلاق و جهان بینی و مسائل فکری دیگر، که از منبع وحی الهی سرچشمه می گرفت، بنیان گذار محتوایی ترین و منطقی ترین کرسی های نظریه پردازی شدند و به شاگردان خویش نقاط ضعف نظریه پردازان یونان باستان را آموزش می دادند و آن ها را بر استقلال در اندیشه و پیروی از افکار گذشتگان بر حذر می داشتند و به طور مکرر به پیروان خویش توصیه می کردند که علوم خویش را از قرآن و اهل بیت کسب کنند که هشام بن حکم شاگرد فرزانه ی امام صادق (ع) و فضل بن شاذان نیز در نقد اندیشه های گذشته تألیفاتی داشته اند.

کرسی های نظریه پردازی امام علی (ع)، امام صادق (ع)، امام رضا (ع) و سایر امامان (ع)، متضمن عالی ترین نظرات است. این خط درخشان و این میراث گران بهاء، علیرغم دشمنی های شدید حاکمان جور و طرفدارانشان، در طول تاریخ غیبت امام عصر (ع) تاکنون، به وسیله ی دانشمندان تهذیب یافته و بلند اندیشی، هم چون شیخ کلینی ها، صدوق ها، طبرسی ها، مجلسی ها، حرّ عاملی ها، بروجرودی ها و صدها و هزاران فقیه اندیشمند و وارسته ی دیگر، به نسل های بعدی منتقل شده، تا به دست ما رسیده است. روزگاری فرا خواهد رسید که این ایده های گران سنگ و عزت آفرین به طور کمال و تمام، به وسیله ی انسان کاملی که همه ی کمالات را در خود دارد و علوم همه ی انبیاء و راز هر دانشی نزد اوست، به منصفه

ظهور خواهد رسید و همه در پای کرسی های علم بی پایان او زانو خواهند زد و هستی در پرتو نور او زیبا خواهد گشت. در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، بشریت به درجه ای از تمدن و آگاهی خواهد رسید که تمامی ظرفیت های علمی موجود در طبیعت را به فعلیت خواهد رساند و نظر مبهم و نقطه ی مجهولی برای او باقی نخواهد ماند.

محتوای کرسی های نظریه پردازی نزد قُدما

در گذشته محتوای تمامی نظریه پردازی ها در چهارچوب واحدی تحت عنوان « فلسفه » مطرح می شد. فیلسوف ، کسی بود که همه ی دانش ها را اعم از عقلی، طبیعی، ریاضی، سیاست، اخلاق، طب و غیره می دانست که در زمان های اخیر راه فلسفه، از راه علم جدا گردید .
واژه ی فلسفه، یک کلمه ی یونانی است که از فیلو (به معنای دوستدار) و سوفیا (به معنی دانش) تشکیل شده است.

در تقسیم بندی قدما، فلسفه به دو بخش تقسیم می شود که به طور خلاصه از این قرار است:

1- فلسفه ی نظری، که سه قسمت می باشد:

الف) - **الهیات** (فلسفه علیا) . که خود مشتمل بر دو فن است:

اول: امور عامه یا الهیات به معنی الاعم، که راجع به چگونگی هستی و نحوه ی آفرینش بحث می کند.
دوم: امور خاصه یا الهیات به معنی الاخص، که فقط در مورد خدا وصفات او بحث می کند.

ب) - **ریاضیات** (فلسفه ی وسطی) . که عبارت است از حساب، هندسه، هیئت و موسیقی که هر کدام علم مجزایی است.

ج) - **طبیعیات** (فلسفه ی سفلی) که به نوبه ی خود بخش ها و اقسام زیادی دارد و در مورد جهان مادی و طبیعی بحث می کند.

2- فلسفه ی عملی که در مورد افعال انسان است و سه قسم می باشد:

الف - علم و اخلاق

ب - علم تدبیر منزل

ج - علم سیاست مُدن

چون فلسفه دارای یک مفهوم عام بود و فیلسوف کسی بود که دانش مربوط به همه ی موجودات عالم را دارا بود، به همین جهت به شخص فیلسوف می گفتند، او جهانی است علمی، شبیه جهان عینی (علماً عقلیاً مضاهیاً للعالم العینی). آن گاه موجودات عالم را در یک تقسیم بندی کلی، به آباء سبعة، امهات اربعه و موالید ثلاثه منقسم می ساختند.

آباء سبعة، همان افلاک هفت گانه است، این ها را پدر هستی می نامیدند.

امهات اربعه، عبارت بودند از: خاک، آب، هوا و آتش. می گفتند: این چهار عنصر ماده ی اولیه این جهان، و بسیط و غیر قابل اختلاط با چیز دیگری هستند.

موالید ثلاثه، مرکبات این عالم هستند که عبارتند از: جماد، نبات و حیوان.

از این جهت آن ها را به پدر، مادر و فرزند تعبیر می کردند که معتقد بودند: از تأثیر عوامل فلکی در عناصر چهار گانه، مرکبات پیدا می شوند. بنابراین، عوامل فلکی "فاعل"، عناصر "قابل" و محصول این دو، مرکبات هستند.

این نظریه پردازی ها که از زمان ارسطو (چهار قرن قبل از میلاد) به صورت اصول صد در صد صحیح تدوین و اعلام و با شاغول "منطق"، که "معلم اول" وضع نموده بود، تقویت می شد، به عنوان نظراتی قطعی و مسلّم، در تمامی جوامع علمی جهان تدریس می گردید؛ کرسی های نظر، بر مبنای آن شکل می گرفت و تا قرون اخیر در بسیاری از مراکز علمی دنیا آن را پذیرفته بودند.

قبلاً اشاره کردیم که با ظهور اسلام و به ویژه، از سوی امامان معصوم (ع)، و شاگردان تربیت شده آن ها، این نظریات مردود معرفی می گشت. پیشوایان راستین، به موازات این گونه اندیشه ها، عقاید و آراء ناب و حیوانی را ترویج می نمودند و پیروان خود را از افتادن به دام افکار متزلزل یونانی، هشدار می دادند.

ده قرن بعد از اسلام، و از قرن 16 به بعد، خصوصاً در قرون جدید، به تدریج دانشمندان غرب به نظریه پردازی های اشتباه قدما پی بردند و جرأت کردند آن را نقد کنند. به طوری که: "در قرون جدید، فرنسیس بیکن انگلیسی و دکارت فرانسوی، منطق ارسطویی را سخت مورد هجوم و ایراد قرار داده و گاهی آن را باطل و گاهی بی فایده اش دانستند". (1)

(1) منطق و فلسفه - مرتضی مطهری - درس دوم ص 18

نقاط ضعف نظریه پردازان در تاریخ نظریه پردازی

بررسی نقاط ضعف کرسی های نظریه پردازی و بزرگان نظریه پرداز در طول تاریخ و زیان هایی که غفلت از این نقاط ضعف، برای بشریت به دنبال آورده، نیاز به یک کارشناسی گسترده دارد. این عیب یابی بسیار مهم و ضروری است و باعث تندتر شدن حرکت کمالی علوم می گردد. در این مقاله ی کوتاه به دو عیب اساسی اشاره می کنیم.

الف - محدودیت علم بشر

ما در یک جهان پیچیده و شگفت آوری زندگی می کنیم که بسیار اسرارآمیز و بی نهایت رمز و راز در آن نهفته است. دقایق و نظمی که خدای متعال در خلقت هستی حاکم نموده آن چنان گسترده است که فوق تصور خردمندان عالم است (1). هزاران سال بزرگترین نابغه ها و نظریه پردازان تاریخ می کوشند که رموز و اسرار خلقت را در قالب تئوری ها و نظرات و تحقیقات و کتب گوناگون ارائه دهند، بزرگترین کتاب خانه های جهان، با میلیاردها کتاب، گسترده ترین مراکز تحقیقاتی و آزمایشگاهی، بیشترین صرف وقت ها و سرمایه ها در این راستا، از آغاز تاریخ تاکنون به کار گرفته شده است. جهان آفرینش، ضمن این که یک مجموعه ی به هم وابسته است، اما هریک از اجزاء آن، از کرات تا ذرات هم، هریک واحد مستقلی است. با این وجود امروز در قرن 21، بشری که به فضا راه یافته و هسته ی اتم را شکافته ادعان دارد که هنوز در اول راه هستیم و آن چه می دانیم، نسبت به آن چه نمی دانیم صفر است.

خوب است، در این جا سخنان بعضی از بزرگان نظریه پرداز را بشنویم تا مطلب بهتر به دستمان آید.
- می گویند: واعظی بر پله سوم منبر نشسته و مشغول وعظ بود، پیر زنی از او سؤالی پرسید، نتوانست جواب دهد. پیر زن گفت: تو که جاهلی چرا بر پله ی سوم منبر بالا رفته ای؟ واعظ گفت: من به اندازه ی علم خود بالا رفته ام، اگر بخواهم به قدر جهل خود بالا روم از آسمان ها تجاوز می کنم.

- سقراط حکیم: " من یک چیزی می دانم و آن این که هیچ چیز نمی دانم."

- ابوعلی سینا:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره ای راه نیافت

(1) این نظم و دقت را خداوند از آن رو در خلقت عالم قرار داده، که نشانه ی قدرت و عظمت او باشد.

- شیخ شبستری:

جهان نسبت به این نه چرخ مینا چو خشخاشی بود بر روی دریا
نگر تا تو در این خشخاش چندی سزد گر بر بروت خود بخندی

- پاسکال: " علم دو انتها دارد، یکی نادانی مطلق طبیعی که همه ی آدمیان به هنگام تولد چنین هستند. و دومی نادانی مردان بزرگ که همه ی چیزهایی که آدمی فهمیده، می خواند و در آخر می فهمد که نمی فهمد و به نقطه ی عزیمت خود بر می گردد." (1)

- ویلیلم جیمز: " علم ما هم چون قطره ای است، ولی جهل ما یک دریای عظیم." (2)

- نیوتن: " من مانند کودکی هستم در کنار ساحل دریا، در حالی که اقیانوس بی کران حقیقت در مقابل من نامکشوف باقی مانده است."

- فلاماریون: " من می توانم ده سال از مجهولات سؤال کنم، ولی شما هیچ یک را جواب نتوانید داد." (3)

- الکسیس کارل: " دامنه ی علوم به قدری بی انتها است که گاهی انسان خود را در جنگل انبوه فرضیات گم می کند و مثل این است که در دنیای سحرآمیز و بی انتهای سرگردان شده، شاخه های عجیب و غریب درختان در هر آزمایش و فعالیتی شکل تازه ای در نظرش مجسم می سازد. گاهی هم فشار این توده های سنگین به قدری زیاد است که چون نمی تواند به وسیله ی فرمول های جبری به حقیقت اشیاء نزدیک شود، مانند یک سرباز شکست خورده، گوشه ی انزوا و تنهایی را اختیار می کند." (4)

- اینشتاین: " افسانه ی بزرگ و معمای خلقت هنوز لا ینحل است. حتی نمی توان مطمئن بود که این راز در آخر کار هم گشودنی باشد. آن چه تاکنون از کتاب خلقت خوانده ایم بسیار ناچیز است و ما با اصول زبان خلقت آشنا شده ایم، ولی با این همه می دانیم که در مقابل مجلّداتی که خوانده و فهمیده ایم، هنوز از حل و کشف کامل خیلی دوریم." (5)

(1) لوکنت دو نویی - مقدمه ی کتاب انسان در برابر علم

(2) و (3) پیوند انسان و مذهب - عباسعلی عمید زنجانی ص 82

(4) انسان موجود ناشناخته ص 4

(5) خلاصه فلسفه ی نظریه انیشتین ص 11 و 12/ تکامل فیزیک ص 12

گروهی از دانشجویان در سرای اینشتاین وارد شدند و 15 دقیقه وقت گرفتند، تا در این فرصت کوتاه و گران بها، نظر او را درباره ی موضوع مورد اختلاف خود جويا شوند. پس از طرح سؤال، اینشتاین به فکر فرو رفت و پس از چندی لب به سخن گشود و گفت:

"اگر موفق شوم دستگاہی اختراع کنم که بتوانم با میکروب ها صحبت کنم، با میکروبی که روی یک خال موی سر انسانی جای گرفته باشد به گفتگو می نشینم و از میکروب می پرسم در کجا نشسته ای؟، میکروب پاسخ خواهد داد که روی تنه ی درختی که سر به فلک کشیده و ریشه ی آن به اعماق زمین فرو رفته است و من به آن میکروب می گویم: اشتباه می کنی، تو بالای درختی تنومند قرار نداری بلکه روی یک خال از موی سر انسان واقع شده ای. انسانی که خود جزیی از زمین و زمین جزیی از کهکشان اول و این کهکشان نیز یکی از کهکشان هاست. حال از میکروب بخواهیم تا جهان را در خیال و ذهن خود ترسیم کند. آیا می تواند؟! و سپس افزود: من هم در پیشگاه خداوند بزرگ از آن میکروب به مراتب کوچک ترم. من کجا و احاطه بر همه ی موجودات این جهان. (1)

حضرت علی (ع) چه زیبا فرموده است: **غَايَةُ الْعِلْمِ الْاِعْتِرَافُ بِالْجَهْلِ (2)**

پایان علم، اعتراف به نادانی است.

با توجه به اعتراف صریح بزرگان کرسی های نظریه پردازی به جهل خویش، می توان این نتیجه را گرفت که نباید به داشته های علمی خود مغرور شد و آن را پایان کارها و حلال همه ی معماهای هستی پنداشت. علم زدگی و کرنش در برابر بت علم، باعث جمود و توقف و بازماندن از درک بسیاری حقایق است.

ب: دگماتیسیم علمی

یکی دیگر از آفات که متوجه نظریه پردازی هاست و باعث محو یا رکورد کرسی های آن است، دگماتیسیم علمی و پافشاری بر نظریات ارائه شده می باشد. توقف بر رأی و نظر و آن را قطعی الصدور پنداشتن و سایر دیدگاه ها را کنار زدن، بزرگ ترین سد راه تکامل آراء و اندیشه هاست.

تعامل فکری نظریه پردازان، تضارب اندیشه ها، بده بستان های علمی، هم اندیشی و استفاده از خرد

(1) فطرت مذهبی - نوشته ی سید محمد شفیعی - ص 48 و 49 به نقل از مکتب اسلام ساب 12 شماره 9 ص 48-49

(2) غررالحکم ص 52

دیگران، به کرسی های نظریه پردازی ارتقاء می بخشد و موجب رشد و شکوفایی بیشتر می شود.
علی (ع) می فرماید: اضربوا بعضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ، يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الثَّوَابُ (1)
یعنی: آراء و نظرات خود را با هم برخورد دهید، که از این تضارب آراء، راه ثواب متولد می شود.
قرآن می فرماید: بشارت بده به آن بندگان که همه ی سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن پیروی می کنند: فَبَشِّرْ عِبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (2)

دو نمونه از دگماتیسم نظریه پردازی در تاریخ ظاهر شد، که زیان های فراوانی برای بشریت به ارمغان آورد:

اول: نظریه پردازی های یونان باستان که جهان را بر اساس افکار پوچ هئت بطلمیوسی تفسیر می کرد و قرن ها میدان دار همه ی مراکز علمی جهان بود و آن قدر بر صحت و نفوذ ناپذیری آن تعصب نشان داده شد که هر کس با آن مخالفت می کرد و نظری نو ابراز می نمود، از دم تیغ گیوتین گذرانده می شد. علاوه بر اینکه سال ها رشد و تمدن جهان را به عقت انداخت، دکم گرائی و انعطاف ناپذیری طرفداران افکار پوچ فلاسفه ی یونانی و غیر یونانی، باعث کشته شدن، حبس شدن، توبه دادن و تبعید هزاران دانشمند و سوزاندن هزاران کتاب و تحقیق علمی شد.

صاحبان نظرات جدید، در هر سطحی که بودند به محاکمه کشیده شده و محکومیت های سنگینی پیدا می کردند. گاليله، ویلیام هاروی، کریستف کلمب، مونتینی، مویر و پاسکال از جمله محکومان این دادگاه ها بودند.

ویکتور هوگو، که خود از کسانی است که در اواخر عمر به محاکم تفتیش عقاید برخورد کرد و از آن نمد، کلاهی نیز برای او ترتیب داده شد. در یک سخنرانی، پرده از روی جنایات متولیان جزم گرائی کلیسا برداشته، در قسمتی از آن می گوید:

"... همان محکمه بود که پنج میلیون نفوس محترم را به آتش سوزانید، یا در زندان خفه کرد و حتی مردگان را به عنوان کفرو الحاد از گور به در آورد و سوزانید. (3)

(1) غرر الحکم ص 44

(2) سوره ی زمر آیه ی 18

(3) آیین سخنوری - محمد علی فروغی ج 2

دوم: کرسی نظریه پردازی ماتریالیسم دیالیک تیک، که نزدیک به زمان ماست، نمونه ی دیگری از جزم گرایی و دگماتیسم فکری است. تبلیغات پر زرق و برق و فریبنده و شعارهای داغ و تحلیل ها و نظریه پردازی های غلط کارل مارکس و فردریک انگلس، سایه ی شوم خود را بر بسیاری از کشورها گسترانید. نظرات بدور از حقیقت و اصرار بر، به کرسی نشانند دیدگاه های غیرمنصفانه ی اقتصادی، سیاسی، تاریخی و علمی در قرن بیستم، خسارات فراوانی به بار آورد. کمونیسم و سوسیالیسم که با انقلاب علیه بورژوازی و کاپیتالیسم، به وسیله ی طبقه ی پرولتاریا در ماه اکتبر 1917 در شوروی سابق به قدرت رسید، بیش از هفتاد سال، نیمی از کره ی خاکی را به خود مشغول ساخت. نظرات مارکس، انگلس، لنین، استالین و دیگر نظریه پردازان کمونیسم در دانشگاه ها و مؤسسات نظریه پردازی این کشورها، حرف اول را می زد و هر نظر مخالف آن، به شدت سرکوب و در دادگاه های انقلابی طبقه ی کارگر به مرگ سپرده می شد. سرانجام، سستی این افکار، پس از به جای گذاشتن زیان های غیر قابل جبران، لرزه بر بزرگترین کرسی نظریه پردازی ماتریالیستی جهان انداخت و آن را سرنگون ساخت و درهم فرو پاشاند.

وسعت ظرف تولید علم

امروزه نیز صاحبان کرسی های نظریه پردازی نمی توانند با جزمیت، بر نظرهای خود تکیه کنند که در این صورت خود را از دست یابی به قله های نوتر محروم خواهند ساخت. میدان علم و نظریه پردازی، میدان بی کرانه ای است و هر لحظه تئوری و نظر تازه ای جای تئوری های قبلی را می گیرد.

علی (ع) جمله ی زیبایی دارد و می فرماید:

كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ ، اَلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَانَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ (1)

یعنی: هر ظرفی با قرار دادن چیزی در آن تنگ می شود، مگر ظرف علم که با قراردادن چیزی در آن وسیع تر می گردد.

برای نمونه: روزگاری دانشمندان، عناصر اربعه ی آب، خاک، هوا و آتش را تنها مواد عالم معرفی می کردند، پس از مدتی دریافتند که این عناصر در چهار عدد خلاصه نمی شود، بلکه ده ها عنصر در طبیعت وجود دارد. با کشف جدول مندلیف این عناصر، در حدود 90 رسید و اکنون با پیشرفت علم، 115 عنصر شمارش شده، تا آینده چه باشد!

(1) نهج البلاغه - فیض حکمت ص 196

هم چنین در گذشته، عناصر طبیعت را متشکل از اجزاء ریزی می دانستند که آن اجزاء ریز با چشم غیرمسلح قابل رویت نیستند. نام این اجزاء بسیار کوچک را اتم گذاشتند. اتم یعنی جزء غیرلایتجزاً، چون معتقدند بودند اتم قابل تجزیه نیست.

کمی که علم پیش رفت، معلوم شد این نظر که اتم غیرقابل تجزیه است غلط می باشد. اتم هم از ذرات ریزتر، تشکیل شده و اصلاً خود یک منظومه ی مستقل است که هسته ای دارد، حاوی نوترون ها و پروتون ها، سیاراتی به نام الکترون، به دور آن با سرعت سرسام آوری در حرکتند. باز پس از گذشت مدتی، معلوم شد این پروتون ها و الکترون ها آخرین حلقه نیستند. بلکه به وجود ذرات بسیار ریز دیگری به نام « کوارک» پی بردند، کوارک ها هم خود انواعی دارد و ... این جاست که پی می بریم، علم فعلی بشر چه محدودیت شدیدی دارد و دگماتیسم علمی چه آثار منفی به بار می آورد. قرآن می فرماید: وَمَا أوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلاً (1) ما از علم به شما ندادیم، مگر به مقدار اندکی.

رئوس کلی در تکمیل وادامه بحث

رئوس کلی مطالبی که باید در ادامه ی بحث به آن پرداخته شود و ما به علت خارج شدن موضوع از حد یک مقاله از تفصیل آن خودداری می کنیم، به شرح زیر می باشد:

- 1- چگونگی ورود افکار نظریه پردازان یونان باستان و بیگانه به حوزه های علمی مسلمین .
- 2- تلاش حکومت های غاصب و خودکامه، در انتقال کرسی های نظریه پردازی بیگانه به قصد جایگزینی آن، در مقابله با کرسی درس مدینه .
- 3- انتقال ایده های نظریه پردازان بیگانه به سرزمین های اسلامی سه مرحله ی ترجمه، تفسیر و تلفیق را پیموده است.
- 4- پیدایش نحله های نظریه پردازی در جهان اسلام و رشد نمو آن تحت عنوان مشرب های :
(1) مشاء - (2) اشراق - (3) حکمت متعالیه - (4) عرفان
- 5- اختلاف شدید بین دیدگاه های نظریه پردازان و تحلیل علل این اختلافات.
- 6- کرسی های نظریه پردازی وارداتی در شرق اسلامی، از منبع دین تغذیه نموده، خود را محتوا بخشیدند و با التقاط و اختلاط، نظرات خود را با دین آمیختند.

(1) سوره ی اسراء آیه ی 85

- 7- تاکید بر تفکیک سه کرسی عظیم نظریه پردازی یعنی: قرآن، برهان، عرفان .
- 8- شناخت مکتب به دو روش برون اندیشی و درون اندیشی (دگردینی اندیشی و دینی اندیشی)
- 9- تاکید امامان شیعه و عالمان فرهیخته ی دینی بر استقلال و خالص مانی کرسی نظریه پردازی و حیانی و نحوه ی تقابل آن ها با افکار وارداتی بیگانه .
- 10- رمز جاودانگی و خلوص کرسی های نظریه پردازی که با تکیه بر منبع و حیانی به پا شوند .
- 11- دین اسلام، مجموعه ی تعالیم و دستورات منطبق بر علم و عقلانیت است و در آن علم همه چیز هست، در عین این که دستور زندگی و هدایت است .
- 12- کرسی های نظریه پردازی علمی، بدون پشتوانه ی ایمان ، کمال آفرین و آرامش آور نیست.
- 13- نقش کتاب آسمانی قرآن و معلمین راستین آن در اداره و اصلاح کرسی های نظریه پردازی جهان .
- 14- بحثی در اعتبار منابع حدیثی و نظریه پردازی شیعه .
- 15- شکوه و جلال اندیشه و عقلانیت و آینده ی ایده آل برای بشر .

پایان

گرگان- ابراهیم حنیف نیا

1388/10/7

منابع

- 1) قرآن کریم
 - 2) نهج البلاغه
 - 3) غررالحکم
 - 4) اصول کافی
 - 5) بحارالانوار
 - 6) فلسفه و عرفان از نظر اسلام
 - 7) پیوند مذهب و انسان
 - 8) فطرت مذهبی در انسان
 - 10) بحثی از دکتر و پیر
 - 11) مقدمه ی ابن خلدون
 - 12) حدیقه الشیعه
 - 13) اصول فلسفه و روش رئالیسم
 - 14) منطق و فلسفه
 - 15) خدمات متقابل اسلام و ایران
 - 16) رهبر خرد
 - 17) حکمت الهی
 - 18) تاریخ فلسفه
 - 19) حکمت و اندیشه ی دینی
 - 20) منطق صوری
 - 21) لذات فلسفه
 - 22) آموزش فلسفه
 - 23) نهاییه الحکمه
 - 24) سیر حکمت در اروپا
 - 25) الشواهد الربوبیه
 - 26) تاریخ فلسفه و تصوف
 - 27) تحفه الاخیار
 - 28) تمدن اسلام و عرب
 - 29) متد دیالیک تیک مارکسیستی
 - 30) فلسفه ی ما
 - 31) فرهنگ و تمدن اسلامی
-
- علی (ع)
سخنان علی (ع)
محمدبن یعقوب کلینی
علامه محمد باقر مجلسی
محمد صدرزاده
عباسعلی عمید زنجانی
سید محمد شفیعی
سید عبدالکریم هاشمی نژاد
عبدالرحمن بن خلدون
مقدس اردبیلی
مرتضی مطهری
مرتضی مطهری
مرتضی مطهری
دکتر محمود شهبابی
مهدی الهی قمشه ای
فرد ریک کاپلستون
دکتر رضا برنجکار
دکتر محمد خوانساری
ویل دورانت
محمد تقی مصباح یزدی
علامه طباطبایی
محمد علی فروغی
ملا صدراى شیرازی
شیخ علی نمازی
مولا محمد طاهر قمی
دکتر گوستاولوبون
علی حجتی کرمانی
محمد باقر صدر
دکتر علی اکبر ولایتی